

بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در فقه معاصر

فاطمه احمدی^۱

چکیده

بحث «تغییر جنسیت» از موضوعات مهم و جدید در حوزه علوم پزشکی، فقه و حقوق معاصر است و از مسائل مستحدثه به شمار می‌آید. هدف این پژوهش، تبیین دیدگاه فقه اسلامی به‌ویژه فقه جعفری، درباره جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت و تحلیل مبانی فقهی و حقوقی آن است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که «تغییر جنسیت از دیدگاه فقه اسلامی، به‌ویژه فقه جعفری چه حکم و چه پیامدهای فقهی و حقوقی دارد». یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر فقهای معاصر، تغییر جنسیت را در مواردی که برای آشکار شدن جنس واقعی فرد یا درمان اختلالات روانی و جسمی انجام می‌شود، مجاز دانسته‌اند؛ اما تغییر جنسیت صرفاً ظاهری و غیرواقعی را جایز نمی‌دانند. بر این اساس، نتیجه پژوهش آن است که تغییر جنسیت در فقه اسلامی با رعایت شرایط خاص و اهداف درمانی، از نظر فقهی و حقوقی قابل پذیرش است.

کلیدواژه‌ها: تغییر جنسیت، فقه اسلامی، حقوق، مسائل نوظهور، اختلال هویت جنسی

۱. ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس حوزه علمیه صادقیه، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان
ایمیل: fatima.ahmadi.556@gmail.com



مقدمه

تغییر جنسیت از مسائل مهم پزشکی، اجتماعی، فقهی و اخلاقی در جهان معاصر به شمار می‌آید. پیشرفت‌های دانش تجربی و علم پزشکی در تحول چشم‌گیر جراحی، باعث شده‌اند که تغییر جنسیت از مرزهای جغرافیایی کشورهای غیر اسلامی عبور نموده و مسلمانان را نیز درگیر این موضوع کنند. فقه اسلامی به‌عنوان عهده‌دار تشریح و بیان احکام زندگی اسلامی به پاسخ‌گویی و تعیین احکام شرعی این موضوع، پرداخته است. براین اساس، ابعاد فقهی و حقوقی «تغییر جنسیت» با تأکید بر نصوص دینی و دیدگاه‌های فقهای معاصر تحلیل و تبیین شده است. سوال اصلی تحقیق این است که «تغییر جنسیت از دیدگاه فقه اسلامی، به‌ویژه فقه جعفری چه حکم و چه پیامدهای فقهی و حقوقی دارد» و در کنار آن سوالات فرعی دیگری نیز در این تحقیق پاسخ داده شده است؛ سوالاتی مثل «تغییر جنسیت بر روابط زناشویی، ارث، حقوق مالی و عناوین خانوادگی چه تأثیری دارد؛ آیا تغییر جنسیت تأثیری بر انحلال ازدواج یا سهم ارث فرد خواهد داشت؛ آیا مادر پس از تغییر جنسیت و تبدیل به پدر، حق سرپرستی فرزندان را خواهد داشت». دیدگاه‌های فقهی پیرامون تغییر جنسیت در بین مذاهب مختلف اسلامی و حتی مکاتب حقوقی تفاوت‌های دارند. در پژوهش حاضر تلاش شده که به برخی مسائل پیچیده این موضوع پرداخته شود. آثار متعددی در مورد پیشینه موضوع «تغییر جنسیت»، نگاشته شده است. یکی از محققان معاصر در اثر خود پیامدهای پزشکی، تغییر جنسیت را تبیین نموده و آثار فقهی و حقوقی آن را بررسی کرده است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۷). امام خمینی نیز به تبیین حکم فقهی تغییر جنسیت پرداخته است. وی در سال ۱۳۴۴ شمسی در کتاب تحریرالوسیله، نوشت که تغییر جنسیت به خودی خود از نظر شرعی حرام نیست، مشروط بر آن‌که این تغییر به‌طور کامل و بر اساس اصول پزشکی محقق شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۵۵۸).

۱. مفهوم شناسی

تغییر جنسیت در انگلیسی مرادف واژه «sex change»، به معنای تغییر بدن شخص به جنس مخالف با عمل جراحی پزشکی و ایجاد تغییرات در برخی از اندام‌های وی از قبیل عورت، سینه‌ها، رحم و غیره. مثلاً بدن زن با تغییرات جراحی به مرد یا بالعکس بدن مرد با



تغییرات جراحی به زن تغییر داده شود؛ به گونه‌ای که تبدیل ویژگی‌های جنسی یک فرد از حالت فعلی به حالت دیگر تغییر کند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۷).

تغییر جنسیت از دیدگاه پزشکی به معنای اصلاح جسمانی و هورمونی برای انطباق جسم فرد با هویت جنسی مطلوب است. این فرایند شامل جراحی، درمان‌های هورمونی و مشاوره‌های روان‌شناختی می‌شود. افرادی که به اختلال هویت جنسی (Gender Dysphoria) مبتلا هستند، نیازمند این فرایندند تا کیفیت زندگی‌شان بهتر گردد و حالات روانی‌شان بهبود یابد (American Psychiatric Association, 2013).

فقه‌ها میان تغییر جنسیت و تغییر ظاهری یا تقلید تفاوت قائل‌اند. امام خمینی تصریح می‌کند که تغییر جنسیت در صورت نیاز و با تشخیص پزشکی جایز است؛ اما تغییرات ظاهری یا تقلید از جنس مخالف بدون تغییر واقعی، از نظر ایشان ممنوع است (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۲۰۳). این دیدگاه، نقطه آغاز بحث‌های فقهی در این حوزه به شمار می‌آید و پس از ایشان، بسیاری از شاگردان و پیروان فقهی ایشان، به تبیین این دیدگاه تلاش پرداخته‌اند.

۲. تغییر جنسیت در نصوص دینی، جامعه و فقه

برخی از فقه‌های اسلامی با در نظر گرفتن شرایط خاص، تغییر جنسیت را در صورت تأیید پزشک مجاز می‌دانند. به‌طور خاص، در صورتی که این تغییر به دلیل اختلالات روانی و تحت نظر پزشک متخصص باشد، تغییر جنسیت می‌تواند به‌عنوان یک گزینه درمانی پذیرفته شود (موسوی، ۱۳۹۵). همچنین بسیاری از علما تأکید دارند که درمان‌های روان‌شناختی باید ابتدا مورد استفاده قرار گیرند و تنها در صورتی که این درمان‌ها مؤثر واقع نشوند، تغییر جنسیت به‌عنوان آخرین گزینه باید مطرح شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). این رویکرد اسلامی با حفظ کرامت انسانی و توجه به سلامت روانی و جسمی فرد تلاش می‌کند که کمترین آسیب را به فرد وارد کند (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۲).

۲-۱. تغییر جنسیت از منظر آیات قرآن

آیات متعددی در قرآن کریم، به موضوع خلقت انسان، جایگاه او و نظم الهی اشاره دارند.



برخی فقها از این آیات برای استدلال در موافقت یا مخالفت با تغییر جنسیت استفاده کرده‌اند. مثلاً آیه: «وَلَا يُدْلَنَ خَلْقُ اللَّهِ» که تغییر در خلقت الهی را نکوهش می‌کند. برخی فقها با استناد به این آیه، تغییر جنسیت را مخالف اراده الهی می‌دانند (تبریزی، ۱۴۱۸: ۴۵). برخی از فقها با استناد به آیه ۶ سوره طلاق: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»، قاعده رفع حرج را مبنا قرار داده و گفته‌اند که این آیه، جواز تغییر جنسیت را در موارد ضرورت تأیید می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

۲-۲. تغییر جنسیت در روایات

روایات نیز بیان متنوعی در زمینه خلقت انسان و تغییرات مرتبط با آن دارند. در برخی روایات، به امکان تغییر وضعیت افراد دوجنسی یا «خنثی» اشاره شده است. به عنوان مثال امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت خنثی فرمودند: «باید بررسی شود که این فرد به کدام جنس نزدیک‌تر است و بر اساس آن حکم داده شود» (حر عاملی، ۱۷: ۵۶۱). این روایت، مبنای برخی فقها برای جواز تغییر جنسیت در موارد خاص قرار گرفته است.

۲-۳. تأثیر تغییر جنسیت بر جامعه و خانواده

تغییر جنسیت، تأثیرات قابل توجهی بر فرد و خانواده دارد. از یک سو، افراد تغییر جنسیت داده معمولاً به دنبال تطابق بیشتر با هویت درونی خود هستند که این امر می‌تواند منجر به احساس رضایت و بهبود سلامت روانی شود (فریدی، ۱۳۹۵: ۱۶۷). از سوی دیگر، تغییر جنسیت با تأثیرات اجتماعی، چالش‌های فراوانی را به وجود می‌آورد؛ زیرا افراد با تبعیض‌های اجتماعی، قضاوت‌های منفی و عدم پذیرش از سوی جامعه روبه‌رو می‌شوند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۲) علاوه بر این، خانواده‌ها به‌ویژه در جوامع با باورهای سنتی، ممکن است با چالش‌هایی در پذیرش این تغییرات مواجه شوند که این موضوع ممکن است روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد (کاظمی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

۲-۴. دیدگاه‌های فقها معاصر در تغییر جنسیت

تغییر جنسیت از دیدگاه فقهای معاصر شیعه، با تفاوت‌های همراه است. برخی از فقها این عمل را در شرایط خاص مجاز دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر آن را ممنوع یا وابسته به شرایط خاصی شمرده‌اند. دیدگاه‌های فقهای معاصر، نسبت به تغییر جنسیت،



اشتراک دارند به اصل ضرورت تغییر جنسیت برای افرادی که جنسیتشان مشخص نیست یا دوجنسیتی اند، تفاوت دیدگاه‌ها در شرایط تحقق این موضوع است.

۱. امام خمینی: تغییر جنسیت از نگاه فقهی در تاریخ اسلام، پیشینه طولانی دارد و در زمان حکومت امام علی^(ع) نیز بیان حکم فقهی تغییر جنسیت، گزارش شده است؛ اما فقهای معاصر، اولین فتوای رسمی درباره جواز تغییر جنسیت از سوی امام خمینی در پاسخ به استفتای فردی که قصد تغییر جنسیت داشت، صادر شد. وی با استناد به مبانی فقهی، تغییر جنسیت را در شرایط خاص جایز دانسته است (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۱۷۸).

۲. آیت الله منتظری: ایشان مواردی را برمی‌شمارد که در آن‌ها تغییر جنسیت ضرورت اساسی پیدا می‌کند. به باور ایشان، اگر فرد دوجنسیتی دچار اختلالات روانی شود، انجام تغییر جنسیت برای رفع این اختلال لازم است. همچنین در صورتی که تعیین تکالیف و وظایف شرعی فرد دوجنسیتی تنها از طریق تغییر جنسیت امکان‌پذیر باشد، انجام این عمل ضروری به شمار می‌آید. «تغییر جنسیت گاهی ضرورت پیدا می‌کند، مثلاً گاهی افراد دوجنسی دچار بیماری‌ها و اختلالات روانی و خانوادگی شدیدی می‌شوند به‌طوری که پزشک متخصص تنها راه معالجه را در تغییر جنسیت می‌داند؛ و علاوه بر این برای دوجنسی‌های حقیقی ضرورت دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه دوجنسی‌های حقیقی نسبت به احکام و انجام وظایف شرعی مشکلات بسیاری دارند مثل احکام محرمیت، ازدواج، ارث، نماز، دیات و ... و تنها راه خروج از این تنگناها تغییر دادن جنسیت آن‌هاست تا اینکه یا به مردان ملحق شوند یا به زنان» (منتظری، ۱۴۲۷: ۱۱۳).

۳. آیت الله خامنه‌ای: دیدگاه آیت الله خامنه‌ای از جهاتی با نظر امام خمینی هم‌سو است، اما در بیان شرایط جواز تغییر جنسیت تفاوت‌هایی میان آن دو وجود دارد. از نظر امام خمینی، مجوز تغییر جنسیت زمانی صادر می‌شود که فرد واقعاً به این تغییر نیاز داشته باشد و این نیاز بر اساس نظر کارشناسان و متخصصان پزشکی تأیید گردد. در مقابل، آیت الله خامنه‌ای جواز تغییر جنسیت را به‌طور عام منوط به «عدم ارتکاب فعل حرام و نبود پیامدهای فاسد» می‌داند. بر پایه دیدگاه ایشان، انجام عمل جراحی برای آشکار



ساختن واقعیت جنسی فرد فی نفسه جایز است، مشروط بر آن که این عمل به گناه یا پیامدهای فسادانگیز منجر نشود. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

۴. آیت الله مکارم شیرازی: از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی، جواز تغییر جنسیت مشروط به تحقق واقعی و حقیقی تغییر در جنسیت است؛ به بیان دیگر، این عمل زمانی مجاز است که موجب آشکار شدن جنس واقعی فرد شود، نه صرفاً تغییر ظاهری و صوری. بر همین اساس، شخصی که جنسیت او از پیش مشخص است — زن یا مرد — نمی‌تواند صرفاً بر اساس تمایل به جنس مخالف، از نظر فقهی اقدام به تغییر جنسیت کند، زیرا چنین عملی فاقد مبنای شرعی و حقیقی برای دگرگونی جنس به شمار می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۱۶۵).

۵. آیت الله فاضل لنکرانی: آیت الله فاضل لنکرانی پدیدار شدن آثار جنسی جدید در شخص را شرط اصلی حکم جواز تغییر جنسیت شمرده است. بر این اساس، در مواردی که تغییر جنسیت تنها به صورت ظاهری انجام شود و فرد همچنان دارای آثار جنسیتی قبلی باشد، این عمل جایز نیست و حتی حرام تلقی می‌شود؛ اما اگر تغییر به گونه‌ای باشد که فرد واقعاً جنسیت خود را تغییر داده و اثرات جنسی جدید در او نمایان شود، این کار می‌تواند مجاز باشد، مشروط به رعایت حدود شرعی (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶: ۱۹۰).

۶. آیت الله صافی گلپایگانی: ایشان اظهار داشته که اگر تغییر جنسیت به معنای کشف واقعیت جنسیتی باشد، ممکن است مجاز باشد؛ اما اگر تنها به صورت ظاهری انجام شود، این عمل جایز نیست و حتی می‌تواند حرام تلقی شود. وی تأکید دارد که این تغییر باید قطعی باشد و نه ظاهری (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۸: ۱۸۰).

۷. آیت الله نوری همدانی و جوادی آملی: آیات عظام نوری و جوادی آملی، چنین کاری را مشروط به نیاز واقعی شخص و تشخیص پزشکی دانسته‌اند. بنابراین مطابق دیدگاه آنان، تغییر جنسیت از مرد به زن یا بالعکس در صورتی که بر پایه ضرورت پزشکی و تشخیص دقیق صورت گیرد، جایز است؛ اما اگر چنین ضرورتی وجود نداشته باشد، این تغییر جایز نیست (نوری همدانی، ۱۳۹۷: ۱۳۰. جوادی آملی، ۱۴۰۱: ۱۵۵).



۸. آیت الله تبریزی: ایشان تغییر جنسیت را فقط در مورد خنثی و افرادی که دوجنسیتی اند، جایز دانسته و غیر این صورت را مجاز ندانسته است. ایشان در پاسخ از این سؤال که آیا «جایز است مرد و زن به تغییر جنسیت خود به جنس مخالف اقدام کنند»؟ این گونه نوشته است: [تغییر جنسیت] جایز نیست، مگر در مورد خنثی که شرعاً جنسیت او ثابت شده و بخواهد خود را شبیه آن جنس کند که فی حدّ نفسه مانعی ندارد (تبریزی، ۱۴۱۸: ۴۷۹).

۳. اصول فقهی جواز تغییر جنسیت (دیدگاه موافقان)

۳-۱. اصل عدم حرمت تغییر جنسیت

یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی جواز تغییر جنسیت، اصل عدم حرمت است. بر اساس این اصل، انجام عمل جراحی برای تغییر جنسیت، به خودی خود ممنوع نیست، مگر آن‌که دلیلی شرعی برای حرمت آن وجود داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۵۵۸). بسیاری از فقهای شیعه معتقدند که تغییر جنسیت در صورتی جایز است که شرایط خاصی از قبیل آشکار شدن جنس واقعی شخص، درمان مشکلات روحی-روانی افراد دوجنسی (خنثی)، موجود باشند.

حکم فقهی مجاز بودن تغییر جنسیت مطابق دیدگاه فقهی امام خمینی مشروط به تحقق یکی از دو شرط، است. شرط نخست، اثبات نیاز تغییر جنسیت برای فردی که اقدام به تغییر جنسیت می‌کند، توسط کارشناس پزشکی. شرط دوم، به لحاظ روان‌شناختی لازم است تأیید گردد که چنین فردی دچار اختلال روانی یا اختلال جنسیتی است. بنابراین اگر شروط مذکور در تغییر جنسیت وجود نداشته باشند، به لحاظ فقهی انسان اجازه ندارد که به تغییر جنسیت اقدام نماید. ممکن است یکی از دلایل مهم عدم جواز تغییر جنسیت در صورت فقدان شروط مذکور، اختلال نظام اجتماعی است که مادران بخواهند نقش پدران ایفا نمایند و بالعکس. بر این اساس از نظر امام خمینی، جواز تغییر جنسیت منوط به شرایطی است و این اقدام به خودی خود، در صورت اثبات نیاز پزشکی یا روان‌شناختی، حرام نیست (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۶۲۱).



۲-۳. قاعده نفی عسر و حرج

مطابق قاعده نفی عسر و حرج، انجام اعمال و تکالیف مشقت‌بار که در توان انسان مکلف نباشد، در اسلام پذیرفته نشده است. خداوند از انسان به اندازه توانش تکلیف خواسته. تغییر جنسیت که دارای حکم شرعی است از این قانون مستثنا نیست. در صورتی که دوجنسی بودن شخص باعث مشکلات روانی و اختلال هویتی جنسی وی گردد، لازم است جنس واقعی وی با هدف برطرف شدن عسر و حرج، آشکار گردد. بر این اساس، اگر فرد به دلیل اختلال هویت جنسی دچار عسر و حرج باشد، تغییر جنسیت به عنوان راه حلی برای کاهش مشقت می‌تواند جایز تلقی شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۵).

قواعدی نظیر ضرورت رفع حرج و جلوگیری از ضرر، به عنوان دلایل مکمل برای جواز این عمل مطرح می‌شوند. این اصول، به ویژه در مواردی که فرد دچار اختلال هویت جنسی است و زندگی او تحت تأثیر شدید این اختلال قرار دارد، اهمیت دوچندانی می‌یابند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

۳-۳. قاعده لاضرر

یکی از اصول مهم در فقه اسلامی عدم متضرر شدن انسان است که تأکید دارد هیچ عملی نباید موجب ضرر یا زیان غیرقابل تحمل به فرد شود. در زمینه تغییر جنسیت، این قاعده به طور خاص برای افرادی که از اختلال هویت جنسی رنج می‌برند، به کار گرفته می‌شود. برای مثال، اگر فردی دچار مشکلات روانی شدید به دلیل ناهماهنگی جنسیت روانی و جسمی خود باشد، تغییر جنسیت می‌تواند به عنوان راهی برای کاهش این ضرر در نظر گرفته شود. بر این اساس، بسیاری از فقها جواز تغییر جنسیت را بر اساس این قاعده صادر کرده‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

قاعده لاضرر با استناد به حدیث پیامبر اسلام که فرمود: «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۳)، مطلق است که شامل موضوع تغییر جنسیت نیز می‌شود، مشروط بر این که شخص از دوجنسیتی بودن رنج ببرد و دوجنسی بودنش باعث زیان و آسیب روحی-روانی وی شده باشد. در این صورت با استناد به قاعده «لا ضرر»، می‌توان به جواز تغییر جنسیت، حکم نمود. بنابراین هر اقدامی که برای رفع ضرر ضروری باشد، می‌تواند جایز باشد. برخی



فقها تأکید دارند که تغییر جنسیت تنها در صورتی جایز است که توسط متخصصان پزشکی به عنوان یک درمان ضروری شناخته شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۶۲۱).

۴. دلایل حقوقی و فقهی نظریه مشروعیت مشروط

تغییر جنسیت یکی از مباحث چالش برانگیز در حوزه حقوق، فقه و اخلاق پزشکی است که در نظام های حقوقی مختلف با شرایط متفاوتی پذیرفته شده است. یکی از نظریات مطرح در این زمینه، نظریه مشروعیت مشروط است. بر اساس این دیدگاه، تغییر جنسیت تنها زمانی مشروع و مجاز خواهد بود که فرد از مشکلات جنسیتی رنج ببرد و پزشک متخصص، تشخیص دهد که این تغییر برای بهبود وضعیت او ضروری است. این نظریه علاوه بر تطابق با موازین پزشکی، از دلایل حقوقی نیز برخوردار است که در ادامه بررسی خواهد شد.

۴-۱. منفعت عقلایی در قراردادها

یکی از اصول مهم در حقوق مدنی، ضرورت وجود منفعت عقلایی و مشروع در هر قرارداد است. به استناد این اصل، اگر فردی برای انجام عمل تغییر جنسیت با یک پزشک یا جراح قرارداد منعقد کند، این قرارداد تنها در صورتی معتبر خواهد بود که این عمل برای او سودمند و عقلایی باشد. بنابراین مشروعیت تغییر جنسیت مشروط به تأیید ضرورت پزشکی و منافع فردی است (پارکر، ۱۳۸۲: ۷۵).

۴-۲. نقد استناد به قاعده اضطرار

برخی ممکن است استدلال کنند که تغییر جنسیت در شرایط اضطرار مجاز خواهد شد؛ زیرا بر اساس قواعدی «الضرورات تبيح المحظورات» و «حدیث رفع»، هر عمل ممنوعی در شرایط اضطرار مجاز می شود. این استدلال با اشکال مواجه است؛ زیرا این قواعد تنها زمانی کاربرد دارند که ابتدا ممنوعیتی وجود داشته باشد و سپس در شرایط اضطرار، این ممنوعیت برداشته شود. حال آنکه در نظریه مشروعیت مشروط، هیچ ممنوعیت اولیه ای وجود ندارد که نیاز به رفع آن باشد. به همین دلیل، برخی از پژوهشگران معتقدند که برای افراد خنثی فیزیکی یا بدنی، تغییر جنسیت نه تنها مجاز بلکه الزامی است.



۳-۴. تأثیر قاعدهٔ عسر و حرج بر مشروعیت تغییر جنسیت

یکی دیگر از مبانی مشروعیت تغییر جنسیت، قاعده عسر و حرج است. بر اساس برخی آیات قرآن کریم (حج: ۷۸؛ مائده: ۶ و بقره: ۲۸۵)، در شریعت اسلامی هیچ حکمی که موجب مشقت و سختی شدید شود، تشریع نشده است. بنابراین اگر ماندن فرد در جنسیت فعلی خود موجب عسر و حرج غیرقابل تحمل گردد، می‌توان تغییر جنسیت را مجاز دانست. البته اثبات تحقق عسر و حرج در این زمینه نیازمند تأیید پزشک متخصص است.

۵. دیدگاه مخالفان جواز تغییر جنسیت (چالش‌های تغییر جنسیت)

۱-۵. سوءاستفاده از تغییر جنسیت

برخی از فقیهان معاصر معتقدند که تغییر جنسیت به دلیل ایجاد نقص در اعضای بدن، با فطرت الهی مخالفت دارد احتمال دارد که هم‌جنس‌گرایی را رایج نماید، بر این اساس تغییر جنسیت، جایز نیست (تبریزی، ۱۴۱۸: ۴۳-۴۵). همچنین برخی استدلال می‌کنند که این عمل ممکن است باعث بروز مشکلات اجتماعی و اخلاقی شود. در نتیجه، افرادی که تغییر جنسیت داده ممکن است با مشکلات فرهنگی و اجتماعی مواجه شوند که قابل جبران نباشد.

۲-۵. تطبیق تغییر جنسیت با مقاصد شریعت

تغییر جنسیت درواقع با تغییرات اساسی و مهم اعضای بدن (مانند عورت، سینه‌ها، رحم و حتی صورت و ...) تحقق می‌یابد، درحالی‌که این تغییرات با اصول دینی و ارزش‌های اخلاقی متضاد به نظر می‌رسد. بر این اساس، برخی از فقهای معاصر استدلال نموده‌اند که شریعت اسلامی به حفظ سلامتی بدن و جلوگیری از نقص در خلقت طبیعی انسان تأکید دارد، درحالی‌که تغییر جنسیت [باعث نقص بدن گشته و] ممکن است با این اصول در تضاد باشد (تبریزی، ۱۴۱۸: ۴۳).

یکی از موضوعات مهم در فقه اسلامی، تطبیق مسائل نوظهور با مقاصد شریعت است. تغییر جنسیت از این منظر بررسی می‌شود که آیا این عمل به‌عنوان یک ضرورت شرعی و عقلی، با اصول دین اسلام همخوانی دارد یا خیر. در این راستا، برخی فقها بر این باورند که



اگر تغییر جنسیت منجر به کاهش آسیب‌های جسمی و روانی فرد شود و مانع از ورود او به وضعیت‌های حرج‌آور گردد، این عمل می‌تواند مجاز تلقی شود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

۳-۵. نظریه حرمت مطلق در تغییر جنسیت

نظریه حرمت مطلق به این معنا است که تغییر جنسیت به‌طور کلی حرام است، مگر در موارد اضطراری یا درمان اضطراری. این نظریه به دلایل مختلف فقهی، اجتماعی و اخلاقی استوار است. یکی از اصلی‌ترین دلایل مخالفان تغییر جنسیت، بحث تغییر در خلقت الهی است. در قرآن کریم، در آیه ۱۱۹ سوره نساء آمده است: «وَلَا مُرَتَّهْمَ فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ». این آیه به‌طور تلویحی به تغییرات غیرطبیعی در خلقت انسان اشاره دارد و مخالفان تغییر جنسیت معتقدند که هرگونه دست‌کاری در جنسیت فرد، نوعی تغییر در خلق خداست و این امر از نظر دینی و فقهی نادرست است.

یکی دیگر از استدلال‌های مخالف تغییر جنسیت، نگرانی از آثار اجتماعی آن است. تغییر جنسیت می‌تواند مشکلاتی در روابط خانوادگی، اجتماعی و حتی حقوقی ایجاد کند. برای مثال، فردی که جنسیت خود را تغییر می‌دهد، ممکن است با مشکلاتی در زمینه‌هایی همچون ارث، ازدواج و حقوق اجتماعی روبه‌رو شود. از این‌رو مخالفان تغییر جنسیت معتقدند که این اقدام می‌تواند منجر به اختلال در نظام اجتماعی و خانوادگی شود.

برخی از فقها همچنین معتقدند که افرادی که به دیسفورای جنسیتی مبتلا هستند، باید از طریق روش‌های درمانی غیرجراحی مانند روان‌درمانی، مشاوره و سایر شیوه‌های غیرجراحی به درمان این اختلال بپردازند. این دیدگاه بر این اصل تأکید دارد که تغییر جنسیت باید در شرایط اضطراری و زمانی که درمان‌های دیگر مؤثر نباشند، صورت گیرد.

۶. رویکرد فقه تسنن در مورد تغییر جنسیت

برخی از عالمان دینی سنی، تغییر جنسیت را حرام شمرده‌اند؛ زیرا این کار به‌نوعی تغییر در خلقت الهی موجودات به شمار می‌آید (طبری، ۱۹۹۲: ۵۶۸). در مقابل، برخی از عالمان معاصر تسنن، مانند شیخ یوسف قرضاوی، تغییر جنسیت را در صورت وجود اختلالات جنسیتی شدید (مانند ترنسکشوال‌ها) مشروط به تأیید پزشکی معتبر، جایز دانسته است (قرضاوی، ۲۰۰۵: ۱۸۴).



۷. احکام فقهی پس از تغییر جنسیت

حکم عبادات زنان و مردان در اسلام علی‌رغم اشتراکاتی که دارند، متفاوتند و عبادت مرد مکلف با بانوی مکلف فرق دارد. به‌عنوان نمونه در ایام عذر شرعی (عادت ماهیانه) بانوان نماز واجب نبوده و قضا هم ندارد، درحالی‌که بانوان هنگامی که عذر شرعی دارند، نباید روزه بگیرند و در زمانی که پاک شوند، باید قضای روزه‌های که نگرفته، به‌جا آورند. با این وجود، اگر خانمی تغییر جنسیت داد و مرد شد، در روزهای که در هر ماهی معمولاً عذر شرعی داشت، اکنون چه تکلیفی دارد؟ آیا مطابق جنسیت نوین که مرد شده است، عمل نماید یا خیر؟ در نتیجه، موضوع نیازمند بحث بیشتر است ولی در مجموع ممکن است، پاسخ مثبت باشد و «فرد در این صورت موظف است مطابق جنسیت جدید خود عمل کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۶).

یکی دیگر از موضوعات پیچیده، سهم الارث فرد پس از تغییر جنسیت است. فقها در این مورد اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند که سهم الارث باید بر اساس جنسیت جدید محاسبه شود، درحالی‌که عده دیگر بر این باورند که جنسیت فرد در زمان فوت مورث ملاک عمل قرار می‌گیرد (تبریزی، ۱۴۱۸: ۴۷).

در صورت جواز شرعی موضوع تغییر جنسیت، پس از تغییر جنسیت، به دلیل تغییر موضوع، ازدواج‌های پیشین باطل می‌شود و فرد می‌تواند مطابق جنسیت جدید خود ازدواج کند. ولی پرسش اساسی، این است که حکم شرعی ازدواج قبلی چیست؟ گاهی واقعاً بیم آن می‌رود که از این حکم سوءاستفاده صورت گیرد؛ نگرانی از استفاده غیرمجاز از جواز تغییر جنسیت برای اهداف غیرشرعی وجود دارد.

۸. مفهوم ضرورت و اضطرار در جواز تغییر جنسیت

یکی از اصول فقهی که در جواز تغییر جنسیت مورد توجه قرار می‌گیرد، قاعده «رفع ضرورت» است. این قاعده بیان می‌کند که در شرایط اضطراری، برخی از محدودیت‌های شرعی ممکن است کنار گذاشته شوند. به‌عنوان مثال، در مورد افرادی که دچار اختلال هویت جنسی هستند و تغییر جنسیت بهبود چشمگیری در زندگی آن‌ها ایجاد می‌کند، این قاعده می‌تواند اعمال شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۵۵۸).



نظریه حلیت مطلق تغییر جنسیت بر این اساس استوار است که اگر تغییر جنسیت به عنوان یک عمل درمانی و با تشخیص پزشکی صورت گیرد، جایز است. این دیدگاه بر اساس دلایل مختلف فقهی و اجتماعی مطرح می شود. فقهای که به حلیت مطلق تغییر جنسیت قائل اند، معتقدند که در قرآن و حدیث، هیچ نص صریح و خاصی که تغییر جنسیت را حرام اعلام کند، وجود ندارد. به طور خاص، استناد به آیه ۱۱۹ سوره نساء که می فرماید: «وَلَا تُرْهَنُوهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» (شیطان انسان ها را به تغییر خلقت خدا فرمان می دهد)، توسط برخی از فقها برای استدلال به حرمت تغییر جنسیت استفاده شده است؛ اما این آیه بیشتر به تغییرات در ویژگی های طبیعی و به طور غیرطبیعی اشاره دارد تا تغییر جنسیت به عنوان یک درمان پزشکی. در این صورت، آنچه تغییر در خلقت الهی محسوب می شود، اعمال غیرطبیعی است که به طبیعت انسان آسیب وارد می کند.

اگر فردی از اختلال هویت جنسیتی (دیسفوریا جنسیتی) رنج می برد، تغییر جنسیت می تواند به عنوان یک اقدام درمانی و پزشکی مجاز باشد. این دیدگاه بر اساس تأکید بر احترام به کرامت انسانی و درمان اختلالات روانی شکل می گیرد. اگر پزشکان متخصص تغییر جنسیت را به عنوان درمان مؤثر تشخیص دهند، چنین تغییراتی مجاز است.

بر اساس نظریه حلیت مطلق، تغییر جنسیت باید تحت نظارت پزشکان متخصص صورت گیرد و بر اساس تشخیص علمی باشد. از منظر فقهی، عمل پزشکی که برای درمان بیماری ها یا اختلالات صورت می گیرد، غالباً پذیرفته و مجاز است (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۶۲۵). این رویکرد به ویژه در صورت درمان اختلالات روان شناختی و جسمی اهمیت دارد.

۹. مبانی حقوقی تغییر جنسیت در نظام حقوقی افغانستان

قوانین افغانستان مستقیماً به تغییر جنسیت اشاره نکرده اند. ماده ۳ قانون اساسی افغانستان تصریح می کند که «هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد» (قانون اساسی، ۱۳۸۲). بنابراین موضوع تغییر جنسیت باید در چارچوب اصول فقه اسلامی بررسی شود. بر اساس دیدگاه برخی از فقهای اهل سنت که نظام حقوقی افغانستان بر آن استوار است، تغییر جنسیت به دو نوع تقسیم می شود:

الف. تغییر جنسیت ضروری یا واقعی که به افراد دارای ابهامات جنسیتی یا شرایط خاص پزشکی مربوط می‌شود.

ب. تغییر جنسیت انتخابی که معمولاً به دلایل روان‌شناختی و هویتی انجام می‌شود و در فقه تسنن غالباً غیرمجاز است (جحیفی، ۱۳۹۷: ۱۸۲)

در قانون ثبت احوال نفوس (۱۳۹۴) به مواردی از اصلاح اسناد هویتی اشاره شده است؛ اما این قانون مشخص نمی‌کند که تغییر جنسیت چه تأثیری بر این فرایند دارد. نبود ماده‌ای خاص در این زمینه، باعث مشکلات حقوقی برای افراد درگیر با تغییر جنسیت می‌شود (قانون ثبت احوال نفوس، ماده ۱۸).

از منظر اجتماعی، افغانستان یک جامعه عمیقاً سنتی و مذهبی است. تغییر جنسیت اغلب به‌عنوان یک تابو شناخته می‌شود و افراد ممکن است در معرض تبعیض یا حتی خطرات جانی قرار گیرند. با این حال، گزارش‌های محدودی درباره وضعیت افراد با تجربه تغییر جنسیت در افغانستان وجود دارد (هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان، ۲۰۲۲).

۱۰. تأثیر تغییر جنسیت بر احوال شخصیه

تغییر جنسیت، تأثیر مستقیم بر وضعیت حقوقی افراد دارد. از جمله این موارد، می‌توان به تغییر وضعیت ازدواج، مهریه، ارث و نفقه اشاره کرد. به‌عنوان مثال، اگر یکی از زوجین پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد، ممکن است این تغییر منجر به انحلال خودکار عقد نکاح شود، مگر آن‌که شرایط خاصی وجود داشته باشد (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

تغییر جنسیت یکی از زوجین پس از ازدواج، از جمله مسائل حساس و بحث‌برانگیز در فقه و حقوق اسلامی است. این مسئله از دو منظر بررسی می‌شود:

الف. انحلال خودکار نکاح: برخی فقها معتقدند که تغییر جنسیت یکی از زوجین، موجب فسخ خودکار عقد نکاح می‌شود؛ زیرا با تغییر جنسیت، یکی از ارکان اصلی ازدواج، یعنی تفاوت جنسیت، از بین می‌رود (تبریزی، ۱۴۱۸: ۴۵).

ب. لزوم طلاق یا فسخ رسمی: در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها استدلال می‌کنند که انحلال عقد نکاح نیازمند یک عامل قانونی یا فقهی نظیر طلاق یا فسخ است و تغییر جنسیت به‌تنهایی نمی‌تواند موجب پایان رابطه زوجیت شود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۹).



همچنین این مسئله از دیدگاه حقوقی اهمیت دارد؛ زیرا حقوق و تکالیف زوجین پس از تغییر جنسیت، نیازمند بازتعریف است. به عنوان مثال، اگر زن تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود، آیا همچنان می تواند مهریه خود را مطالبه کند؟ در این باره، حقوق دانان دیدگاه های مختلفی دارند.

در مورد نفقه و مهریه، تغییر جنسیت تأثیر مستقیمی دارد. از منظر فقهی، نفقه بر عهده مرد است و در صورت تغییر جنسیت زن به مرد، این وظیفه ممکن است از بین برود (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۵۵۸). در مقابل، اگر مرد به زن تغییر جنسیت دهد، وظیفه پرداخت نفقه بر عهده شخص جدید قرار خواهد گرفت. مهریه نیز با تغییر جنسیت ممکن است دچار تغییر شود. برخی فقها معتقدند که مهریه بر اساس جنسیت زمان عقد تعیین شده و تغییر جنسیت تأثیری بر آن ندارد، در حالی که دیگران بر این باورند که با تغییر جنسیت، قرارداد مالی مهریه نیز تحت تأثیر قرار می گیرد (کریمی نیا، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

۱۱. چالش های روان شناختی افرادی که تغییر جنسیت داده اند

افرادی که تغییر جنسیت داده اند، با مشکلات روان شناختی خاصی روبه روهستند. اضطراب و افسردگی، به ویژه در دوران پیش و پس از تغییر جنسیت، از مشکلات رایج این گروه است (کریمی، ۱۳۹۸). این افراد ممکن است با نگرانی های متعددی مانند عدم پذیرش اجتماعی، ترس از قضاوت دیگران و حتی تردید در مورد هویت جنسی خود روبه روهشوند. علاوه بر این، تغییرات فیزیکی ناشی از درمان هورمونی و جراحی می تواند به طور موقت به مشکلات روان شناختی دامن بزند، چراکه فرد ممکن است در ابتدا احساس راحتی نکند و یا تطابق کامل با بدن جدید خود نداشته باشد (میرزایی، ۱۳۹۶).

افرادی که دچار اختلال هویت جنسی هستند، به درمان های روان شناختی ویژه ای نیاز دارند. این درمان ها معمولاً شامل مشاوره و روان درمانی است که به افراد کمک می کند تا هویت جنسی خود را درک کرده و احساسات و افکار خود را مدیریت کنند (موسوی، ۱۳۹۵). از آنجایی که بسیاری از این افراد در طول فرایند تغییر جنسیت با اضطراب و افسردگی مواجه هستند، درمان های روان شناختی می توانند نقش حیاتی در بهبود سلامت روانی آن ها ایفا کنند (جعفری و سلطانی، ۱۳۹۴). در صورتی که نیاز به تغییر جنسیت

وجود داشته باشد، درمان‌های هورمونی و جراحی نیز ممکن است بخشی از درمان باشند (میرزایی، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

مسئله تغییر جنسیت یکی از موضوعات حساس و پیچیده‌ای است که نیازمند بررسی همه‌جانبه در حوزه‌های فقهی، حقوقی، پزشکی و اجتماعی است.

۱. دیدگاه‌های فقهی در این زمینه نشان می‌دهند که جواز تغییر جنسیت به شرایط خاصی وابسته است. به عنوان مثال، در مواردی که تغییر جنسیت به عنوان یک ضرورت برای رفع مشکلات روانی یا جسمی مطرح شود، این عمل با استناد به قواعدی مانند رفع حرج و لاضرر می‌تواند مجاز تلقی شود؛ اما این جواز به طور کلی و برای همه افراد قابل تعمیم نیست.

۲. در قوانین ایران، تغییر جنسیت به رسمیت شناخته شده و افراد می‌توانند پس از این عمل، اسناد هویتی خود را تغییر دهند. با این حال، مسائل حقوقی مرتبط با ارث، ازدواج و نفقه همچنان محل بحث هستند و نیاز به بازنگری و اصلاح قوانین در این زمینه وجود دارد.

۳. یکی از چالش‌های اصلی در جوامع اسلامی، پذیرش افراد تغییر جنسیت داده شده است. این موضوع به دلیل تأثیر آن بر خانواده و روابط اجتماعی، گاهی با مقاومت‌های فرهنگی روبه‌رو می‌شود. برای کاهش این مشکلات، آموزش عمومی و ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد.

۴. با توجه به مباحث مطرح شده، نظریه مشروعیت مشروط در تغییر جنسیت بیشترین انطباق را با واقعیت‌های پزشکی و حقوقی دارد. این نظریه به جای آنکه تغییر جنسیت را به عنوان یک امر ممنوع تلقی کند که تنها در شرایط اضطرار مجاز می‌شود، آن را در چارچوب شرایط پزشکی و حقوقی خاصی مشروع می‌داند. همچنین، استناد به اصولی مانند منفعت عقلایی در قراردادها، قاعده اضطرار و قاعده عسر و حرج نشان می‌دهد که این دیدگاه از پشتوانه حقوقی و فقهی قابل قبولی برخوردار است. از این رو، پذیرش این نظریه می‌تواند مبنای حقوقی مناسبی برای تنظیم قوانین مرتبط با تغییر جنسیت در نظام‌های حقوقی مختلف باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. پارکر، رچل، (۱۳۸۲)، *تغییر جنسیت، بدن و فقه اسلامی*، (ترجمه: رضا شیرمرز)، تهران: نشر قطره.
۲. تبریزی، جواد، (۱۴۱۸ ق)، *استفتاءات جدید*، قم: دفتر معظم له.
۳. جحیفی، موسی، (۱۳۹۴)، «نگاهی فقهی-حقوقی به تغییر جنسیت»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۰، (۴۰)، ص ۱۳۳-۱۵۴.
۴. جعفری، بهرام و سلطانی، ناصر، (۱۳۹۴)، «مشاوره برای افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی»، مجله مشاوره و روان‌شناسی، ۱۷(۳)، ص ۱۸۰-۱۹۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۱)، *دیدگاه‌های فقهی در پزشکی*، قم: نشر اسراء.
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۹)، *استفتاءات جدید*، تهران: انتشارات اسلامی.
۷. رحیمی، علی، (۱۳۹۴)، «تغییر جنسیت از دیدگاه فقه و حقوق»، فصلنامه مطالعات فقهی و حقوقی، شماره ۱۲.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، (۱۳۹۸)، *مبانی فقهی احکام پزشکی*، قم: مؤسسه فقه اسلامی.
۹. صالحی، مصطفی و همکاران، (۱۳۹۳)، «دیدگاه‌های فقهی در مورد تغییر جنسیت در اسلام»، مجله فقه و اصول، ۱۶(۲)، ۴۵-۶۰.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۹۹۲ م)، *تفسیر طبری*، قاهره: دار المعارف.
۱۱. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۶ ش)، *فقه و پزشکی*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۱۲. فریدی، مهسا، (۱۳۹۵)، «تأثیر تغییر جنسیت بر سلامت روانی افراد: مطالعه‌ای در ایران»، مجله روان‌شناسی، ۲۲(۴)، ص ۱۵۵-۱۷۰.
۱۳. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
۱۴. قانون ثبت احوال نفوس، ۱۳۹۴.
۱۵. قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۵)، *فقه معاصر و مسائل نوظهور*، قاهره: دارالشروق.





۱۶. کاظمی، سارا و رضایی، حسین، (۱۳۹۴)، «پذیرش تغییر جنسیت در خانواده‌ها: مطالعه‌ای در تهران»، مجله روان‌شناسی بالینی، ۱۰(۳)، ۴۸-۵۹.
۱۷. کریمی نیا، محمد مهدی، (۱۳۸۹ ش)، «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۱۸. کریمی، محمد، (۱۳۹۸)، «چالش‌های روان‌شناختی افراد تغییر جنسیت داده: مطالعه‌ای بر مبنای داده‌های میدانی»، مجله روان‌شناسی اجتماعی، ۱۴(۲)، ۱۲۵-۱۴۰.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۰. محمودی، ناهید و همکاران، (۱۳۹۷)، «تأثیرات اجتماعی تغییر جنسیت: چالش‌ها و فرصت‌ها»، نشریه جامعه‌شناسی، ۱۸(۲)، ص ۲۱۰-۲۲۵.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۰۰)، احکام پزشکی در اسلام، قم: انتشارات مدرسه امام علی.^(ع)
۲۲. منتظری، حسین علی، (۱۴۲۷ ق)، احکام پزشکی، تهران: نشر سایه.
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۶)، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. موسوی، شاهرخ، (۱۳۹۵)، «اختلال هویت جنسی: نیازهای روان‌شناختی و درمان‌های آن»، مجله روان‌شناسی، ۲۳(۱)، ص ۲۳-۴۰.
۲۵. میرزایی، فرشته، (۱۳۹۶)، «تغییرات فیزیکی و روانی پس از تغییر جنسیت»، مجله روان‌شناسی بالینی، ۲۱(۱)، ص ۸۸-۹۸.
۲۶. نوری همدانی، حسین، (۱۳۹۷)، استفتائات پزشکی و فقهی، قم: نشر فقه اهل بیت.^(ع)
۲۷. هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان (UNAMA)، حقوق بشر در افغانستان: ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تا ۲۰ جون ۲۰۲۲»، کابل: دفتر ملل متحد در افغانستان، ۲۰ جولای ۲۰۲۲.
28. American Psychiatric Association, (2013), *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)*, 5th ed., Washington, DC: American Psychiatric Publishing.